

تأثیر جهت نامشروع در اسناد تجاری در حقوق موضوعه ایران

سیدناصر احمدی^۱

تاریخ دریافت: ۹۸/۶/۳۱

دکترابوالفضل دنکوب^۲

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۰/۲۰

دکترمحمدغلامعلی زاده^۳

چکیده:

قانونگذار در ماده ۱۹۰ قانون مدنی به لزوم مشروع بودن "جهت" معامله به عنوان یکی از شرایط اساسی صحت معاملات اشاره نموده، در قانون تجارت راجع به این موضوع که "اگر سند تجاری متعاقب معامله تجاری صادر گردد لیکن جهت معامله باطل باشد تاثیر آن بر سند تجاری چه خواهد بود" سکوت نموده است و بحث پیرامون این مسئله که آیا همانگونه که در معاملات مدنی اگر جهت معامله نامشروع و تصریح شده باشد موجب بطلان معامله خواهد شد و قرارداد باطل تعهدی برای طرفین ایجاد نخواهد کرد این حکم در خصوص معاملات تجاری و اسناد تجاری که صادر شده است جاری می‌باشد یا خیر، نیاز به بحث و بررسی دارد. در نظرات حقوقدانان جهت معامله همان انگیزه ایست که بطور مستقیم باعث تحریک فرد به انجام معامله می‌شود این انگیزه باید در معاملات مشروع باشد و در صورتی که جهت معامله نامشروع باشد در مباحث فقهی سه نظریه صحت و بطلان و شرط فاسد و مفسد طرح گردیده است و برخی از حقوقدانان معتقدند همین که جهت در عقد تصریح شود برای آگاهی طرف قرارداد کافی خواهد بود و وقتی معامله‌ای به دلیل جهت نامشروع باطل شود کلیه تعهدات ناشی از آن هم باطل خواهد شد و این امر را صرفاً در معاملات مدنی تسری می‌دارند و در معاملات تجاری معتقدند در صورتی که در معاملات تجاری سند تجاری صادر گردد و شرایط شکلی سند تجاری منطبق با قوانین تجاری باشد از امتیازات اسناد تجاری برخوردار خواهد بود و اگر معامله تجاری به هر دلیلی من جمله جهت نامشروع باطل گردد، تعهدات ناشی از آن سند تجاری در مقابل دارنده باحسن نیت باطل نمی‌گردد و تاثیری در آن ندارد و صادر کننده و ظهر نویسان نسبت به دارنده با حسن نیت مسولیت دارند.

کلید واژه‌ها: انگیزه، اسناد تجاری، جهت نامشروع، دارنده باحسن نیت، معاملات تجاری.

^۱ دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، گروه حقوق، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران
s.naser.ahmadi@gmail.com

^۲ دکتری حقوق خصوصی و استادیار گروه حقوق دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران (نویسنده مسئول)
dankoub@gmail.com

^۳ عضو هیئت علمی و استادیار گروه حقوق، دانشگاه پیام نور، استاد مدعو دانشگاه آزاد اسلامی، واحد گرگان، ایران.
M_gholamalizadeh@yahoo.com

مطابق قانون مدنی عدم مشروعیت جهت معامله اگر تصریح گردد، موجب بطلان معامله می‌شود، جهت در واقع انگیزه شخصی از انعقاد قرارداد است، هر شخصی از معامله‌ای که انجام می‌دهد انگیزه خاصی دارد، علت تعهد به عنوان شرط صحت معامله، در ماده ۱۹۰ قانون مدنی، جزء شرایط اساسی صحت معاملات نیامده است، علت تعهد در قراردادهای مشابه، یکسان بوده و نوعی است، لکن مطابق ماده ۲۱۷ قانون مدنی اگر جهت معامله تصریح گردد، باید مشروع باشد و الا معامله باطل است.^۱ اسناد تجاری محصول اراده اشخاص است؛ صدور، ظهر نویسی، ضمانت و قبولی، همگی به اختیار اشخاص و با قصد و اراده آنها صورت می‌گیرد، بنابراین اعمال حقوقی مزبور که حاصل توافق اراده هاست به مثابه معاملات مدنی و البته با رعایت ویژگی‌های خاص خود می‌باشد و اصولاً شرایط عمومی قراردادها و از جمله مشروعیت جهت معامله را باید دارا باشند.

بند ۴ ماده ۱۹۰ و ماده ۲۱۷ قانون مدنی به خوبی مکمل یکدیگر بوده و بر روی هم طرحی قابل توجیه نسبت به حدود تاثیر جهت نامشروع در معاملات را بیان می‌دارد. اولاً جهت نامشروع و انگیزه‌های پلید اشخاص را در انعقاد قرارداد بلا اثر نموده است و اینگونه اشخاص را در رسیدن به اهداف غیرقانونی ناکام می‌گذارد تا از ترویج آن ممانعت بعمل آورد و بدینوسیله به رسالت خطیر حقوقی که در نهایت توسعه عدالت است، کمک کند و ثانياً مبارزه با این انگیزه‌های نامشروع را صرفاً در مواردی که با تصریح به آن جنبه اجتماعی پیدا می‌کند مقرر می‌نماید تا بدین‌گونه حریم آزادی فردی که اصولاً از حوزه اطلاع و تیررس آگاهی سایر افراد خارج است به بهانه انگیزه نامشروع مورد سواستفاده قرار نگیرد و معاملات در معرض تزلزل قرار نگیرد.^۲

در معاملات مربوط به اسناد تجاری در صورت تصریح، جهت باید مشروع باشد در غیر اینصورت کلیه اعمال حقوقی که نسبت به این سند انجام می‌شود باطل تلقی می‌گردد، چون عمل صدور در واقع باطل بوده است و در نتیجه موجب انتقال به دارنده نخواهد شد و همه تعهداتی که روی این سند صورت می‌گیرد اعم از ضمانت، ظهر نویسی و قبول، در واقع چون با درج جهت نامشروع در سند تصریح شده است باطل می‌باشد.

۱- مفهوم علت و جهت

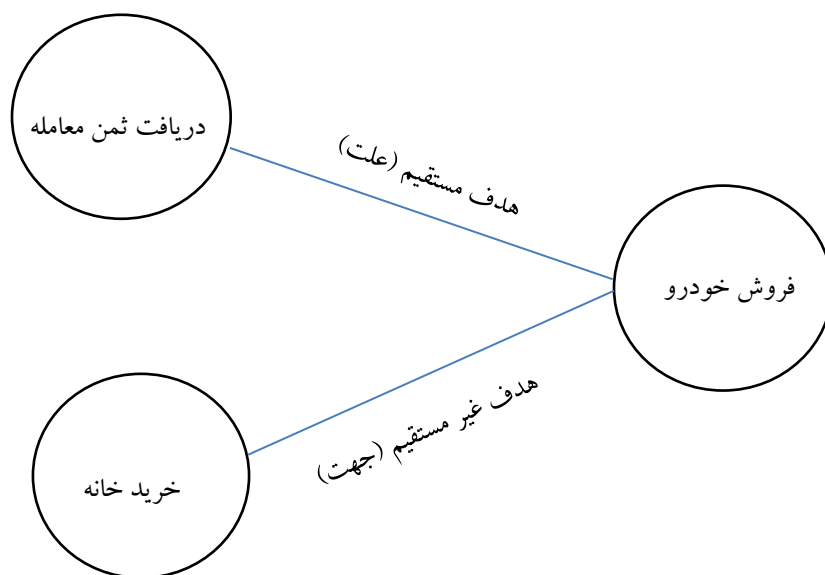
علت تعهد، مقصود مستقیم و بدون واسطه‌ای که متعهد را وادار به پذیرش تعهد در قرارداد می‌نماید، به طوری که هرگاه علت مزبور نبود، متعهد نیز قبول تعهد نمی‌نمود.^۳ علت تعهد در معاملات معوض در واقع بدست آوردن تعهد دیگر است، در

^۱ صفایی، سید حسین؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲، ص. ۶۲.

^۲ قاسم زاده، سید مرتضی؛ حقوق مدنی، اصول قراردادها و تعهدات نظری، کاربردی، نشر دادگستری، ۱۳۸۳، ص. ۱۳۳.

^۳ امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی، جلد اول، کتابفروشی اسلامی، ص. ۲۲۵.

عقود رایگان سبب تعهد را نمی‌توان به عنوان عوض مورد انتظار متعهد تعبیر کرد، چرا که او در برابر آنچه می‌دهد یا به عهده می‌گیرد چیزی نمی‌ستاند و به همین جهت نظریه پردازان ناچار شده‌اند که سبب را به قصد بخشیدن تعبیر کنند تا جنبه نوعی آن حفظ شود، غافل از این که تمهید آنان مرز میان اراده و سبب را در هم می‌ریزد.^۱ جهت معامله در واقع هدف و انگیزه شخصی از انعقاد قرارداد می‌باشد، هر شخصی از انجام معامله‌ای هدفی دارد که به منظور رسیدن به آن، به‌انجام عمل حقوقی مبادرت می‌نماید. مثلاً شخصیه‌دش از خرید اتومبیل مسافرت‌است و شخص دیگر هدفش هدیه دادن می‌باشد، همانطور که فروشنده نیز انگیزه‌اش از فروختن اتومبیل گرفتن ثمن معامله به صورت شخصی است، فلذا ممکن است انگیزه‌اش از فروختن اتومبیل استفاده از ثمن آن برای خرید مسکن یا قرض دادن به دیگری باشد، و این‌ها همان جهات معامله است که در واقع انگیزه‌های شخصی متعاملین می‌باشد و بر خلاف جهت معامله که شخصی می‌باشد، علت معاملات در قراردادهای مشابه یکسان و نوعی است. مثلاً در عقد بیع، علت معامله از سوی فروشنندگان تحصیل ثمن و از سوی خریداران تملک مال خریداری شده می‌باشد. بنابراین جهت، داعی هر یک از متعاملین قبل از انجام معامله است که سبب انجام معامله می‌باشد و ممکن است با تحقق معامله در خارج ایجاد گردد.^۲ در مقابل، واژه علت معامله یا سبب تعهد قرار دارد؛ اگرچه در قانون مدنی از آن سخنی به میان نیامده ولی در تعریف آن می‌توان گفت هدف و انگیزه مستقیم و بدون واسطه معامله که به خاطر آن متعهد در برابر متعهد له تعهدی را می‌پذیرد.^۳ به عنوان مثال در عقد بیع علت تعهد فروشنده به تسلیم مبیع، دریافت ثمن از خریدار و علت تعهد خریدار به پرداخت ثمن، دریافت مبیع از فروشنده است.



^۱ کاتوزیان، ناصر؛ قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، شرکت سهامی انتشارات، تهران، ۱۳۸۲، ص. ۲۳۱ و ۲۳۲.

^۲ همان.

^۳ شهیدی، مهدی؛ حقوق مدنی (تشکیل قراردادها و تعهدات)، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۷۷، ص. ۳۶۶.

با توجه به تعریفی که برای جهت و علت بیان شد، جهت، جنبه شخصی دارد، یعنی امری خصوصی و فردی است که در هر قرارداد و برای هریک از متعاملین تفاوت دارد، ولی علت معامله جنبه نوعی دارد و در هر سنخ از قراردادها یکسان است و برحسب مورد تفاوت نمی‌کند.^۱ مثلاً در اجاره تعهد مستاجر به پرداخت اجاره بها در ازای تعهد موجر به تملیک و تسلیم منافع است و بر عکس تعهد موجر برای این است که مبلغی به عنوان اجاره بها از مستاجر بگیرد.

نامشروع بودن جهت معاملات

منظور از نامشروع بودن جهت معامله این است که قانون آنرا منع کرده باشد و مخالف با نظم عمومی و اخلاق حسنه نیز باشد.^۲ منظور از قانون در تعریف مذکور به قرینه نظم عمومی و اخلاق حسنه، قانون امریست. به نظر می‌رسد با توجه به اصل ۴ قانون اساسی باید الزامات شرعی را نیز به آن ملحق کرد. در متون فقهی منظور از جهت نامشروع عبارت است از هر امری که منجر به مساعدت بر حرام شود.^۳

سند تجاری:

اسناد تجاری به معنی عام به تمامی اسنادی گفته می‌شود که بازرگانان در روابط تجاری استفاده می‌کنند، علاوه بر برات، سفته و چک اسنادی مانند قبض انبار، اسناد در وجه حامل، بارنامه‌های حمل و نقل، اوراق بهادار، اوراق قرضه، اوراق سهام و مانند اینها را شامل می‌شود. اسناد تجاری در معنای خاص فقط شامل برات، سفته و چک می‌شود. ویژگی مشترکی که برات و سفته و چک را از دیگر اسناد تجاری متمایز می‌کند این است که این اسناد، هم معرف وجه و طلب و هم قابل ظهر نویسی و انتقال هستند، در حالیکه دیگر اسناد تجاری هیچگاه این دو خصوصیت را باهم ندارند، یعنی اگر قابل نقل و انتقال باشند (مثل ورقه سهام و)، دیگر معرف وجه و طلب نیستند و اگر معرف وجه و طلب باشند (مثل بارنامه)، دیگر قابل نقل و انتقال نیستند.^۴

مع الوصف با عنایت به اینکه در روابط بین تجار و مبادلات تجاری آنها دو عامل امنیت و سرعت از اهمیت بالایی برخوردار است و بر مبنای همین عوامل قراردادهای تجاری از معاملات مدنی و ابزارهای پرداخت در جایگاه مدنی فاصله می‌گیرد، سند در تجارت از چارچوب قانون مدنی خارج شده و یک نظام وجودی جدیدی از آن احساس می‌شود. سند در چارچوب قانون مدنی استقلالی ندارد.

^۱ کاتوزیان، پیشین، ص. ۲۰۳ و ۲۰۲.

^۲ عبده بروجردی، محمد؛ حقوق مدنی، کتابفروشی علمی، تهران، ۱۳۲۹، ص. ۱۴۱.

^۳ نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد بیست دو، دارالکتب الاسلامیه.

^۴ عرفانی، محمود؛ حقوق تجارت، جلد سوم، نشر میزان، ۱۳۸۵، ص. ۵۸.

در قانون، تجارت وصف تجریدی کسب می‌کند و مزایایی به خود می‌گیرد و آن را از وصف ساده اسناد عادی در قانون مدنی متمایز می‌کند. اسناد تجاری به معنای خاص اسنادی هستند که قابل نقل و انتقال و متضمن پرداخت مبالغ معین به رویت یا سررسید کوتاه که به جای پول، وسیله پرداخت قرار گرفته و از امتیازات ویژه قانون تبعیت می‌کند.

۱-۱. جهت در اسناد تجاری

با توجه به اینکه اسناد تجاری بر اساس توافق اراده‌ها مورد معامله قرار می‌گیرند و تمامی اعمال حقوقی راجع به اسناد تجاری نیز حاصل اراده اشخاص می‌باشد، لذا از این نظر مشابه با معاملات و قراردادها بوده که در حقوق مدنی مورد بحث قرار گرفته است، مع الوصف به استناد بند ۴ ماده ۱۹۰ قانون مدنی، یکی از شرایط اساسی صحت معاملات که همان مشروعیت جهت معامله می‌باشد می‌بایست در معاملات اسناد تجاری مورد توجه قرار گیرد، البته در معاملات و قراردادها چنانچه جهت شرط نامشروع باشد و این جهت هنگام عقد تصریح گردد شرط صحیح است، زیرا دلیلی بر تسری حکم بطلان معامله‌ای که جهت نامشروع در آن تصریح شده نسبت به جهت نامشروع شرط وجود ندارد، مثلاً هرگاه ضمن فروش یک قطعه زمین بر خریدار شرط شود که در زمین مزبور آهنگری دایر کند و تصریح شود که جهت دایر کردن آهنگری، نامرغوب ساختن ملک همسایه است، نمی‌توان این شرط را باطل دانست، زیرا موضوع شرط احداث کارگاه آهنگری است که نامشروع نیست، در فقه مشروع بودن شرط مندرج ضمن عقد تحت عنوان شرط جایز مورد بحث قرار گرفته و تاکید شده آنچه شرط می‌گردد باید از دیدگاه شریعت جایز باشد، زیرا تعهد نسبت به کارهای حرام مانند ساختن شراب هیچگونه اثری نداشته و باطل است.^۱ با توجه به اینکه در مقررات مدنی چنانچه جهت نامشروع در معاملات تصریح گردد، موجب بطلان معامله می‌شود این حکم در خصوص اسناد تجاری تفاوتی با معاملات مدنی ندارد و در مواردی که جهت نامشروع در سند تجاری تصریح نشده است، لیکن دارنده سند تجاری از آن آگاهی داشته باشد نظرات حقوقدانان مختلف است که راجع به این موضوع بحث خواهد شد.

۱-۲. جهت نامشروع

عدم مشروعیت جهت معامله، وسیله‌ای برای رعایت اخلاق و حمایت از حریم مصالح جامعه است، اما نباید در حفظ این مصلحت چندان افراط کرد که به قیمت تزلزل معاملات بینجامد، استقرار و استواری معاملات تجاری اقتضا می‌کند که استناد به اغراض و اهداف پنهانی و درونی اشخاص نتواند متعرض معاملات گردد، منظور از مشروع بودن جهت، ممنوع نبودن آن به حکم قانون است نه اعلام مجاز بودن آن در قانون؛ همچنین منظور از جهت نامشروع این نیست که ارتکاب آن جرم باشد، بلکه منظور هر عمل بدون مجوز قانونی است که در برابر روح مقررات، عملی ناپسند باشد، بنابراین آنچه که با قانون مغایر باشد، نامشروع بوده و باطل است؛ شرط نامشروع را نباید با شرطی که در جهت و انگیزه انجام آن نامشروع است اشتباه گرفت، شرط

^۱ شهیدی، مهدی، شروط ضمن عقد، تهران، مجمع علمی فرهنگی مجد، چاپ سوم، ۱۳۹۱، ص. ۱۰۱.

نامشروع شرطی است خلاف قانون و به این علت باطل است، اما شرط با جهت نامشروع، خود باطل نیست، بلکه جهت و انگیزه انجام آن نامشروع است، زیرا شرایط صحت عقد را نمی‌توان با شرط صحت شرط یکی دانست.^۱

فقها معامله با جهت نامشروع را به دلیل حکم عقل به قبح اعانت دیگران بر معصیتو آیه شریفه حرمت تعاون بر گناه و وجوب نهی از منکر حرام می‌دانند، لیکن هر چند به دلایل فوق فقها معامله با جهت نامشروع را حرام می‌دانند، لیکن شرایطی را بر حرمت معامله قرار داده‌اند. در حقوق انگلستان جهت نامشروع به معنای مصطلح در حقوق ایران وجود ندارد، بین قرارداد باطل^۲ و نامشروع^۳ تفاوت وجود دارد، این تفاوت هم در قلمرو تفسیر دادرسی از شرط فاسد است که مغایر نظم عمومی یا قوانین باشد، به عبارتی شرط باطل را می‌توان از قرارداد حذف کرد و بخش درست قرارداد را معتبر و نافذ شمرد، ولی جهت نامشروع که با نظم عمومی مخالف می‌باشد و تنفیذ هر بخش از آن مغایر نظم عمومی می‌باشد، چنین **قیدی** اثری نداشته و باطل است؛ در حقوق انگلیس اولین اثری که نامشروع بودن قرارداد دارد این است که اجرای آن را ناممکن می‌سازد و منظور از ناممکن شدن اجرای قرارداد عدم استماع دعوی اجرای مفاد قرارداد است، در حقوق این کشور قاعده‌ای وجود دارد که در موارد نامشروع بودن قرارداد، حاکم و جاریست و مقرر می‌دارد: "دادگاه‌ها به هیچ وجه در صدد کمک کردن به اجرای قراردادی که غیرقانونی و مخالف نظم عمومی است، نخواهند آمد." "۴ بر مبنای نظم عمومی هیچ فردی نمی‌تواند به موجب معامله غیرقانونی که در آن شرکت داشته ادعای حق کند و دعوی مبتنی بر فساد قابل طرح نیست و دادگاه ملزم به رد اجرای قرارداد است که می‌داند غیرقانونی است."^۵

الف) تصریح به جهت نامشروع: در صورتی که جهت نامشروع در معامله تصریح گردد، خواه به صورت شرط باشد یا غیر آن و یا در قرارداد تصریح نشود، بلکه خارج از عقد صورت گیرد و عقد بر مبنای آن واقع شود، معامله حرام و باطل خواهد بود.^۶ در صورتیکه جهت نامشروع در قرارداد تصریح نشود، ولی یک طرف معامله از قصد نامشروع طرف دیگر آگاه بوده و توافقی بین آن دو وجود نداشته باشد، حرمت معامله مورد اختلاف است. نظر مشهور فقها این است که صرف علم به قصد نامشروع طرف معامله، بدون اینکه ارتکاب فعل حرام را قصد کرده باشد، اعانت بر گناه محسوب نمی‌شود و موجب حرمت معامله نمی‌باشد.

ب) تحقق جهت نامشروع: برخی از فقها معتقدند که تحقق جهت نامشروع شرط حرمت معامله است و ظاهر آیه شریفه در تعاون بر گناه، تعاون بر تحقق گناه است، اکثر فقها معامله در صورت عدم تحقق گناه حرام می‌دانند.

^۱ شهیدی، پیشین.

^۲ . Void.

^۳ . Illegal

^۴ G. H. Treitel, law of contract, 9th ed, sweet and Maxwell, 1995, pp. 191-207.

^۵ Cheshire, Fifoot and Furmstons, law of contract, 12th ed, London, 1991, pp. 373.

^۶ انصاری، مرتضی؛ مکاسب یک جلدی، اطلاعات، تبریز، ۱۳۷۵.

همانگونه که قراردادهای نتیجه توافق اراده‌ها می‌باشد، اسناد تجاری نیز بر اساس همین توافق اراده‌ها مورد معامله واقع می‌شوند، با توجه به اینکه در قانون تجارت، قانونگذار صرفاً مسائل شکلی اسناد تجاری را احصا نموده و نظر به اینکه تبادل اسناد تجاری فیما بین تجار، نوعی قرارداد و معامله تلقی می‌گردد، از این جهت مشابه با معاملات و قراردادهای مدنی می‌باشد و لذا اعمال حقوقی نسبت به اسناد تجاری همانند اعمال حقوقی در امور مدنی می‌بایست مشروعیت جهت معامله به استناد بند ۴ ماده ۱۹۰ قانون مدنی مورد توجه قرار گیرد، به عبارتی سند تجاری که صادر می‌شود یا از طریق ظهرونیسی مورد انتقال قرار می‌گیرد یا مورد ضمانت واقع می‌شود، یک عمل حقوقی تلقی می‌گردد؛ علاوه بر اینکه صادر کننده یا انتقال دهنده، علتی برای صدور یا انتقال آن دارد که ممکن است در قبال انتقال یا صدور سند، اتومبیل یا مسکنی را خریداری نماید، انگیزه و جهتی را نیز دنبال می‌نماید، مثلاً ممکن است انگیزه و هدف شخص از صدور چک و نیز خرید مسکن اهداء آن به فرزندان باشد و یا انگیزه‌های دیگری، لذا آنچه ضرورت دارد این است که در اسناد تجاری نیز مشابه معاملات مدنی باید به جهت عمل حقوقی انجام شده در خصوص اسناد تجاری توجه گردد. همانطور که قانونگذار در قانون مدنی اشاره داشته که جهت معامله ممکن است تصریح گردد، در اسناد تجاری نیز ممکن است جهت صدور و یا انتقال و یا هر عمل حقوقی دیگر که در خصوص اسناد تجاری صورت می‌گیرد، تصریح گردد و یا ممکن است طرفین از تصریح آن امتناع نمایند.

آنچه مسلم است در صورت تصریح جهت نامشروع، سند تجاری در روابط برخی از دارندگان و متعهدین بی اعتبار و نسبت به برخی دیگر دارای اعتبار خواهد بود و در صورتی که دارنده سند تجاری، بدون اینکه جهت نامشروع تصریح شود، از آن آگاهی داشته باشد، نظرات حقوقدانان مختلف است. برخی معتقدند که ماده ۲۱۷ قانون مدنی در مقام بیان ضرورت آگاه ساختن طرف می‌باشد تا انگیزه‌های پنهانی در معاملات موثر نباشد. تصریح تنها وسیله‌ی این اعلام نیست و این ماده مورد غالب، یعنی "تصریح" را ذکر نموده است؛ لذا هرگاه طرف مقابل از جهت نامشروع آگاه بوده و یا وضعیت معامله به نحوی است که طرف عقد می‌توانسته مطلع شود، نباید معامله را به دلیل عدم تصریح، صحیح دانست و بدین وسیله اشخاص را در تبانی و معاونت برای رسیدن به مقاصد نامشروع آزاد گذاشت؛ عده‌ای نیز معتقدند جهت نامشروع صرفاً در صورت تصریح در معامله باعث بطلان معامله می‌شود و چنانچه منظور قانونگذار غیر از این بود، به جای عبارت تصریح عبارت "آگاهی طرف عقد" را مقرر می‌نمود. از طرف دیگر بر اساس اصل صحت، در صورت تردید اقتضا می‌کند که جز در موارد تصریح، هر چند دو طرف مقابل به جهت نامشروع علم داشته باشند، معامله را صحیح تلقی نماییم.^۱ به نظر می‌رسد هر چند دیدگاه اول با فلسفه ممنوعیت جهت نامشروع در معاملات و جلوگیری از معاملات با انگیزه‌های نامشروع نزدیک‌تر است، لکن اصول و مقررات موضوعه و نص صریح ماده ۲۱۷ قانون مدنی دیدگاه دوم را تأیید می‌نماید و به ویژه این نظر در خصوص معاملات مربوط به اسناد تجاری با توجه به ویژگی‌ها و اوصاف خاص آن، سازگارتر می‌باشد.

^۱ انصاری، پیشین، ص. ۳۴۲ و ۳۴۳.

در اسناد تجاری تصریح جهت به اشکال مختلفی صورت می‌پذیرد:

۱- تصریح به جهت نامشروع در خود سند تجاری:

کیفیت تصریح جهت در معاملات در ماده ۲۱۷ قانون مدنی به صورت کلی بیان شده است و لذا به هر طریقی می‌تواند این موضوع تصریح گردد. در اسناد تجاری با توجه به ویژگی‌های خاص این اسناد و شرایط شکلی حاکم بر آن، تصریح به جهت نامشروع ممکن است در سند تجاری قید گردد، البته در تمامی قراردادها می‌توان در خود قرارداد جهت نامشروع را تصریح کرد و نتیجه درج جهت نامشروع بطلان معامله می‌باشد و کلیه اعمال حقوقی از جمله ضمانت، ظهرنویسی، قبولی و ... باطل تلقی می‌گردد. با درج جهت نامشروع در سند تجاری، دارندگان مع‌الواسطه و بعدی نیز که با ظهرنویسی یا قبض و اقباض دارنده سند می‌باشند، چون جهت نامشروع در سند تجاری منعکس شده است، نسبت به آن‌ها باطل خواهد بود و نمی‌توانند به استناد ماده ۲۴۹ قانون تجارت و اصل عدم توجه ایرادات یا اصل استقلال امضائات به هیچ یک از متعهدین مراجعه نمایند، زیرا با درج جهت نامشروع در سند تجاری، هیچ یک از دارندگان این سند، دارنده با حسن نیت تلقی نمی‌گردد و چنین دارنده‌ای نمی‌تواند از جهت نامشروع صدور چنین سندی اظهار بی‌اطلاعی نماید. لازم به ذکر است که اگر سند تجاری با ظهر نویسی به اشخاص دیگری منتقل شده باشد که در زمان صدور سند تصریح به جهت نامشروع شده باشد، لیکن دارندگان بعد، نسبت به درج جهت نامشروع در آن سند اقدام نمایند، معاملات حین و بعد از تصریح باطل خواهد بود و به معاملات قبل از آن خدشه‌ای وارد نمی‌گردد. چون دارندگان قبل از تصریح نامشروع، دارندگان با حسن نیت تلقی می‌گردند، لیکن دارندگان بعد از تصریح، دارندگان با حسن نیت تلقی نمی‌گردند، چون با درج جهت نامشروع در سند، با آگاهی و اطلاع نسبت به آن، معامله نموده‌اند و به همین دلیل نمی‌توانند به اصل عدم توجه ایرادات استناد نمایند.

۲. تصریح به جهت نامشروع خارج از سند تجاری:

تصریح جهت معامله در خارج از سند تجاری ممکن است یا بصورت قرارداد جداگانه و یا ضمن سند تجاری دیگری و یا حتی بصورت شفاهی مورد تصریح واقع شود و در صورت نامشروع بودن جهت، موجب بطلان معامله سند تجاری و تعهدات ناشی از آن می‌باشد. نحوه تصریح جهت نامشروع از نظر قانون مدنی ملاک نمی‌باشد و صرف تصریح آن به هر نحو، چه در خود سند تجاری یا در سند جداگانه و یا از طریق شفاهی و غیره باشد، باز هم به خاطر تصریح، موجب بطلان معامله خواهد بود و این موضوع در اسناد تجاری نیز که نوعی عمل حقوقی و معامله تلقی می‌شود، اعمال می‌گردد. به عبارتی معاملات مربوط به اسناد تجاری مشمول قواعد عمومی قراردادها می‌باشد و خصوصیتی ندارد که از آن متمایز گردد، لیکن تصریح به جهت نامشروع در خارج از سند تجاری با تصریح به آن در خود سند تجاری، آثار متفاوتی در معاملات بعدی دارد، چنانچه جهت نامشروع در زمان ظهر نویسی در قراردادی، خارج از سند تجاری و یا بصورت شفاهی ذکر شود، انتقال سند تجاری بر اساس ظهرنویسی باطل خواهد بود و در واقع چنین دارنده‌ای، مالک آن سند تلقی نخواهد شد، زیرا معامله باطل اثری نخواهد داشت. لذا چنانچه قبولی

برات به جهت نامشروع بوده که خارج از سند بدان تصریح شده است، موجب بطلان قرارداد وی با صادرکننده و در نتیجه بی اثر شدن تعهد حاصل از آن خواهد شد. مع الوصف با توجه به اینکه در اسناد تجاری اصول خاص استقلال امضانات و عدم توجه ایرادات مستنبط از ماده ۲۴۹ قانون تجارت، حاکم می‌باشد، چنین بطلانی محدود به عمل حقوقی ایجاد شده بین طرفین، بلاواسطه خواهد بود و نسبت به دارندگان بعدی که دارنده با حسن نیت می‌باشند و از جهت نامشروع بی اطلاع هستند، تسری ندارد و لذا متعهدی که به دلیل جهت نامشروع و در نتیجه‌ی بطلان عمل حقوقی، در برابر مخاطب مستقیم خود، تعهد وی ناشی از سند تجاری منتفی خواهد شد نمیتواند در برابر دارنده با حسن نیتی که از جهت نامشروع بی اطلاع بوده است، به این بطلان استناد نماید، این در حالی است که در قواعد عمومی قراردادها چنانچه معامله‌ای باطل گردد، کلیه‌ی معاملات بعد از آن نیز معتبر نخواهد بود.

نتیجه گیری:

جهت نامشروع یکی از عوامل بطلان معاملات به حساب می‌آید و با توجه به آن چه بیان گردید، اعمال حقوقی در خصوص اسناد تجاری نیز نوعی معامله تلقی می‌گردد و در صورتی که جهت این اقدامات اعم از صدور و ظهنویسی و انتقال و ... نامشروع باشد، باعث بطلان عمل حقوقی خواهد بود و لذا در اسناد تجاری مطابق با ماده ۱۹۰ قانون مدنی، ضروری است شرط جهت مشروع، مورد توجه قرار گیرد. همانگونه که اشاره شد جهت معامله یعنی هدف و انگیزه مورد نظر متعاملین که برای رسیدن به آن، معامله می‌کنند. این اهداف ممکن است مشروع و یا نامشروع باشد؛ این جهت که متضمن حفظ اخلاق حسنه و نظم عمومی است در صورت تصریح، باید مشروع باشد و علی‌القاعده در مورد اسناد تجاری نیز این امر صادق می‌باشد. یعنی اگر به دلیل بازی قمار، براتی صادر گردد و جهت آن تصریح شود، مطابق قانون مدنی چنین سندی اثر قانونی ندارد. فقدان یک یا چند شرط از شرایط اساسی، موجب بطلان سند و انتقالات بعدی آن می‌گردد، زیرا صحت معاملات انجام شده فرع بر صحت و اعتبار اصل سند می‌باشد، این حکم مخالف با مفاد اصل استقلال امضانات اسناد تجاری است و هرچند در مورد معاملات و قراردادهای مدنی حاکم و لازم الاجرا می‌باشد، اما در مورد اسناد تجاری به شرط اینکه سند با ظهنویسی، مورد انتقال و نهایتاً در اختیار دارنده با حسن نیت و بی اطلاع از اوضاع و احوال حاکم بر گذشته سند در زمان صدور و ظهنویسی قرار گرفته باشد، نمی‌تواند جریان پیدا کند و مطلقاً موجب بطلان سند و کلیه معاملات آن گردد. چون قانون تجارت نسبت به قانون مدنی، خاص است و باید در صورت تعارض با مقررات مدنی، قانون تجارت حاکم باشد و همچنین وضع مقررات خاص و جدید در خصوص اسناد تجاری که منطبق با نیازهای تجارت پیچیده امروز و کاربردهای مورد انتظار آن در معاملات بوده و قانونگذار نیز به همین جهت از دارنده با حسن نیت سند تجاری حمایت نموده و موجب استحکام سند و اطمینان خاطر دارنده آن گردیده است. مع الوصف چنانچه جهت نامشروع در سند تجاری درج گردد، کلیه اعمال حقوقی که نسبت به این سند انجام می‌شود، باطل تلقی می‌گردد، به عبارتی عمل صدور و همچنین تمام تعهداتی که بر روی این سند صورت گرفته است اعم از ضمانت، ظهن نویسی و قبولی، چون جهت نامشروع در سند تصریح شده

است، اعمال حقوقی مذکور باطل محسوب می‌شود. با درج جهت نامشروع در سند تجاری دارندگان مع‌الواسطه و بعدی نیز که با ظهرنویسی با قبض و اقباض، سند به آن‌ها منتقل می‌شود، چون جهت نامشروع در سند تجاری منعکس شده است، نسبت به آن‌ها باطل خواهد بود و نمی‌تواند با استناد به ماده ۲۴۹ قانون تجارت و اصل عدم توجه ایرادات یا اصل استقلال امضائات به متعهدین مراجعه نمایند، چون دارنده با حسن نیت به شمار نمی‌آیند. لیکن اگر تصریح به جهت نامشروع در سند، حین صدور نباشد، بلکه دارندگان بعدی نسبت به درج آن اقدام نمایند، اعمال حقوقی حین و بعد از تصریح باطل خواهد بود و به اعمال حقوقی قبل خدشه ای وارد نمی‌آورد. النهایه با توجه به اینکه فلسفه تشریح این مقررات در قانون مدنی جهت حفظ هنجارهای اخلاقی و مصالح و منافع عمومی و همچنین حفظ نظم عمومی و جلوگیری از ورود اهداف و نیات خلاف اخلاق حسنه در معاملات مدنی و تجاری می‌باشد، نمی‌توان به بهانه سکوت قانون تجارت در این خصوص و با توجیه اصول حاکم بر اسناد تجاری، از صدور هر سند تجاری و متعاقب آن هر عمل حقوقی راجع به آن سند تجاری در پرتو قوانین تجاری و اصول موصوف حمایت کرد و دیگر قوانین موضوعه (قانون مدنی و ...) را نادیده گرفت.

منابع:

- امامی، سید حسن؛ حقوق مدنی، جلد اول، کتابفروشی اسلامی.
- انصاری، مرتضی؛ مکاسب یک جلدی، اطلاعات، تبریز، ۱۳۷۵.
- انصاری، مرتضی؛ مکاسب یک جلدی، اطلاعات، تبریز، ۱۳۷۵.
- شهیدی، مهدی؛ حقوق مدنی (تشکیل قراردادها و تعهدات)، انتشارات مجد، تهران، ۱۳۷۷.
- صفایی، سید حسین؛ دوره مقدماتی حقوق مدنی (قواعد عمومی قراردادها)، تهران، بنیاد حقوقی میزان، ۱۳۹۲.
- عبده بروجردی، محمد؛ حقوق مدنی، کتابفروشی علمی، تهران، ۱۳۲۹.
- عرفانی، محمود؛ حقوق تجارت، جلد سوم، نشر میزان، ۱۳۸۵.
- قاسم زاده، سید مرتضی؛ حقوق مدنی، اصول قراردادها و تعهدات نظری، کاربردی، نشر دادگستری، ۱۳۸۳.
- کاتوزیان، ناصر؛ قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، شرکت سهامی انتشارات، تهران، ۱۳۸۲.
- کاتوزیان، ناصر؛ قواعد عمومی قراردادها، جلد دوم، شرکت سهامی انتشارات، تهران، ۱۳۸۲.
- نجفی، محمد حسن، جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام، جلد بیست دو، دارالکتب الاسلامیه.
- Cheshire; "Fifoot; andFurmstons", Law of contract, 12th, London, 1991.
- Treitel, G . H, "Law of contract", 9th, sweet and Maxwell, 1995.